

طبق عرفی که در روزگار پیامبر وجود داشت کسانی که در جنگ به اسارت درمی آمدند به بردگی کشیده می شدند اما حضرت دنبال بهانه های بود که اینها را آزاد کند. زمانی که خواهر رضاعی پیامبر (ص) یعنی دختر حلیمه نزد پیامبر آمد و گفت اسرای جنگ حنین از خویشان او هستند، حضرت به احترام حقی که حلیمه دایه پیامبر بر آن حضرت داشت فرمان عفو تمام آن اسیران را صادر کرد. یعنی هر ۶ هزار نفر را بدون اینکه بخواهد فدیه از آنها بگیرد، آزاد کرد



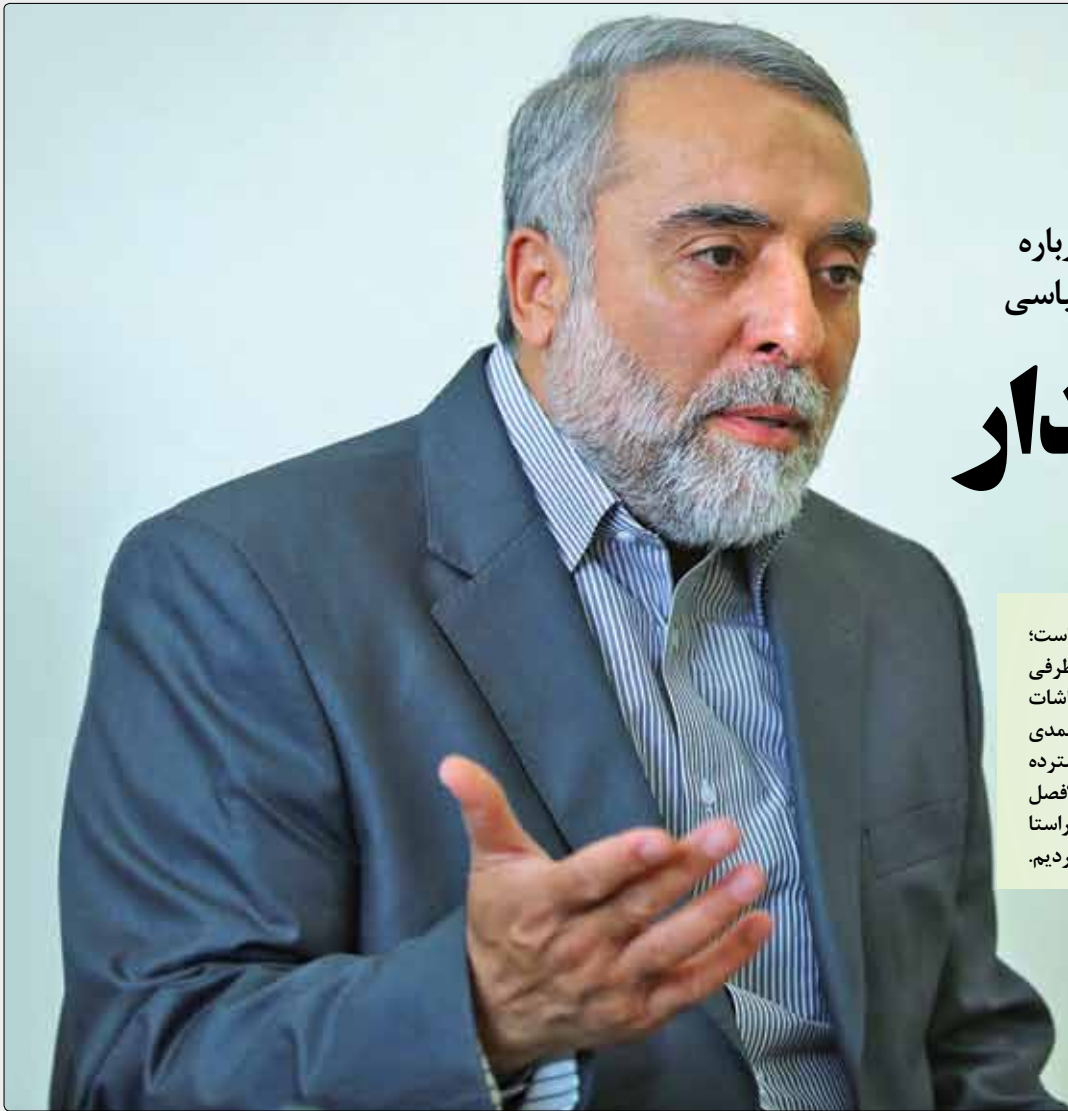
این است که حدود ۲ هفته بعد از فتح مکه، قبیله بزرگی به نام قبیله هوازن که حدود ۳۰ هزار نفر را برای مقابله با اسلام زیر پرچم آورده بود با سپاه اسلام روبه رو شد. خب! سپاه اسلام ۱۰ هزار نفر بود که از مدینه برای فتح مکه آمده بود و ۲ هزار نفر هم از تازه مسلمانان مکه به آنها پیوستند که این مقابله به جنگ حنین انجامید.

بعد از انفعال و فراری که اکثر مسلمانان داشتند، وقتی امیرالمؤمنان (ع) موفق شد پهلوان برجسته دشمن را که پیروزمندان به جلو می آمد به هلاکت برساند، مسلمانان روحیه گرفتند و بازگشتند و با شجاعت و دلوری های امیرمؤمنان موفق شدند دشمن را به گونه ای مورد حمله قرار دهند که باعث شکست و فرار بیشتر آنها و اسارت ۶ هزار نفر دیگر از آنها شد. پیغمبر (ص) با توجه به اینکه اینها به جنگ اسلام آمده بودند و طبق عرفی که در آن روزگار وجود داشت که کسانی که در جنگ به اسارت درمی آمدند به بردگی کشیده می شدند اما حضرت دنبال بهانه های بود که اینها را آزاد کند. زمانی که خواهر رضاعی پیامبر (ص) یعنی دختر حلیمه نزد پیامبر آمد و گفت این اسرا از خویشان او هستند، حضرت به احترام حقی که حلیمه دایه پیامبر بر آن حضرت داشت فرمان عفو تمام آن اسیران را صادر کرد یعنی هر ۶ هزار نفر را بدون اینکه بخواهد فدیه از آنها بگیرد، آزاد کرد. این در سیره پیامبر (ص) از نمونه های جالب و بزرگ است.

طبعاً امیرمؤمنان به عنوان برجسته ترین شاگرد پیامبر اسلام و جانشین برحق ایشان همین سیره استاد خود را ادامه می دهد. این رفتار کریمانه در سیره سیاسی حضرت علی (ع) خود را چگونه نشان داد؟

حضرت علی (ع) با توطئه و پیمان شکنی های طلحه و زبیر مواجه شد که حمایت گسترده عایشه را هم با خود داشتند. لذا با جوسازی های که کردند، با مردمی که از مکه آورده بودند و همچنین با اشغال بصره هم شماری را به خود ملحق کردند، در نهایت موفق شدند ۳۰ هزار نفر را در برابر امیرمؤمنان به میدان جنگ بیاورند و توطئه آنها تبدیل به براندازی مسلحانه شد. در مقابل امیرمؤمنان با خیانت ابوموسی اشعری که حاکم کوفه بود، بیشتر از ۱۲ هزار نفر موفق نشد از کوفه برای مقابله با این توطئه و خیانت براندازانه کمک بگیرد اما از آنجا که حضرت علی (ع) مانند پیامبر (ص) رحمت برای جهانیان است، قبل از اینکه وارد جنگ شود، اعلام فرمود فقط عاملان جنایاتی که در بصره رخ داده و کشتارهایی که در بصره کرده بودند را به من تحویل دهید و دیواره را من بیعت کنید. حضرت عفو گسترده و عمومی صادر و اعلام کرد همه شما در امان خواهید بود و بخشیده می شوید و بر سر زندگی خود بروید اما طلحه و زبیر به اعتبار اینکه قوای آنها بیشتر از امیرمؤمنان است و پیروزی آنها قاعی است بر لجاجت خود افزودند و حاضر نشدند پیشنهاد حضرت را بپذیرند و به ناچار جنگ در گرفت.

از آنجا که در جنگ سخت کسی حریف امیرمؤمنان نبود، دشمنان در جنگ حمل شکست سختی خوردند و رهبری آنها از هم پاشید. وقتی پیروزی قطعی شد، امیرمؤمنان فرمان عفو صادر کرد، اما است که امیرمؤمنان از سپاه خود خواست فراری ها را تعقیب نکنند و زخمی ها را نکشند چون سازمان آنها در هم شکسته و رهبری برای ادامه توطئه و خیانت ندارند، لذا حضرت آنها را رها کرد و بخشید.



جنگ احد ضربات سختی به مسلمانان وارد کرده بودند و ۷۰ مسلمان نیز شهید شده بودند که بیشتر آنها از انصار بودند و سعد بن عباده هم رئیس انصار بود و طبیعتاً انتظار داشت انتقام آن جنایات از اینان گرفته شود اما پیامبر (ص) از موضع قدرت - یعنی حالا که اسلام چنان نیرومند است که دشمن توان مقابله با آن وجود مقدس و سپاه او را ندارد - فرمود امروز روز رحمت است. حتی امیرالمؤمنان علی (ع) را فرستاد تا پرچم را از سعد بن عباده بگیرد و فرمان عفو را حضرت علی (ع) از سوی پیامبر (ص) اعلام کرد. مردم مکه انتظار چنین عمل بزرگواری را از پیامبر اسلام به سبب جنایات خودشان نداشتند. این بود که وقتی سپاه اسلام با اقتدار وارد مکه شد، همه مردم مکه با این عفو که اعلام شد در برابر سپاه مقتدر اسلام و فرماندهی کل قوای اسلام سر تعظیم فرود آوردند و همه مسلمان شدند.

حسی در روایات داریم که پسر ابوجهل معروف که از ترس اعدام گریخته بود، همسرش خود را به او رساند و به او اعلام کرد پیامبر (ص) عفو عمومی اعلام کرده بنابراین هر عفره من ببارگشت و مسلمان شد. این اقدام بزرگ رسول خدا (ص) از موضع قدرت بود که باعث شد دشمن حضرت شدت منفعّل نشود و نتوانند دیگر اقدامی ضد اسلام انجام ندهد بلکه مسلمان شود.

ما درباره سیره پیامبر خواننده ایم که ایشان به بهانه های تلاش می کرد گناهکاران و مجرمان جنگی را آزاد کند و این از سنجیه های اخلاقی و روش اجتماعی - سیاسی حضرت بود. یک نمونه از این سیره بزرگواری و کریمانه رسول اکرم (ص) را که کمتر بیان شده است بفرمایید. یک عفره بود که در سیره پیامبر (ص) قابل توجه است

نداشت فرمان عقب نشینی صادر کرد. از بخت بد ابوعزه شاعر، هنگامی که لشکر مشرکان عقب نشینی می کرد، او در اردوی آنان نبود و هنگامی برگشت که لشکر قریش صحنه را ترک کرده بود ولی سپاه اسلام هنوز حضور داشت. ابوعزه دستگیر شد و به خدمت پیغمبر (ص) آورده شد و دیواره به دست و پا زدن افتاد و درخواست عفو کرد که اینجا پیامبر (ص) فرمود: «لا یلغ المؤمن من جحر مرتین؛ مومن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود». تو تعهد داده بودی دیگر به جنگ اسلام نیایی و ما تو را عفو کردیم اما اکنون که تعهد خود را زیر پا گذاشتی و مجدداً به جنگ آمدی، دیگر تعهد مجدداً معنا ندارد لذا حضرت فرمان اعدام او را صادر کرد. اینگونه نیست که اگر کسی عفو شد و دیواره دست به شرارت زد و خواست اعمال سابق خود را علیه حکومت اسلامی و حکومت نبوی از سر بگیرد، مجدداً عفو شود. این نکته دقیقی است که باید در سیره پیامبر رحمه للعالَمین متوجه آن بود.

رحمت کریمانه پیامبر اکرم (ص) در قضیه فتح مکه که با اعلام عفو عمومی مشهور است از افتخارات و نقاط برجسته تاریخ اسلام است. در مورد این عفو گسترده توضیح دهید و بفرمایید این عفو گسترده چه اثرات و برکاتی داشت. با تقض پیمان صلح حدیبیه توسط مشرکان قریش، پیامبر فرمود که این پیمان دیگر ملغی شده است و قریش به خاطر نفض آن (که حمله به هم پیمان پیامبر و دولت اسلام بود) دیگر مشمول این پیمان نمی شود، لذا سپاه اسلام با قدرت برای فتح مکه حرکت کرد. اوسغیان به عنوان فرمانده نظامی قریش وقتی در میانه راه سپاه مقتدر اسلام را دید، چنان هراسان شد که متوجه شد به هیچ وجه از نظر نظامی نمی توانند با سپاه اسلام مقابله کنند، لذا در برابر اسلام تسلیم شد.

با توجه به سوابق سپاه اوسغیان و اشراف قریش و تابعین آنها، انتظار خودشان این بود که وقتی پیامبر (ص) مکه را فتح می کند، به خاطر جنایات و سوابق سپاهشان آنها را از بین ببرد. این تصور برای یکی از رجال اسلام به نام سعد بن عباده انصاری که رئیس مردم مدینه هم بود، پیش آمده بود. او وقتی جلوی سپاه اسلام پرچم را در دست داشت زمانی که می خواستند وارد مکه شوند، فریاد زد امروز روز انتقام است، چون دشمنان در

پیامبر (ص) عرض کرد: من نه پول دارم که بخواهم خودم را آزاد کنم و نه سواد دارم، اگر بر من منتی بگذارید و من را آزاد کنید سیاستگذار شما خواهم بود. یعنی خود او درخواست عفو کرد؛ پیامبر (ص) با اینکه او دشمن بود و اسیر شده بود بر اساس آن رحمت الاهی که داشت، فرمود اگر تعهد کنی که دیگر به جنگ ما و به مصاف اسلام نیایی من تو را می بخشم، یعنی بدون گرفتن فدیه تو را عفو و آزاد می کنم و او هم به پیامبر تعهد سپرد و حضرت او را آزاد کرد. این فرد از آزادی و عفو پیامبر سوءاستفاده کرد و زمانی که جنگ احد سال بعد می خواست رخ دهد، تعهد خود را زیر پا گذاشت و همراه با لشکر مشرکان قریش مجدداً به جنگ اسلام آمد.

جنگ احد در آغاز با پیروزی مسلمانان پیش رفت اما در ادامه نه به خاطر قدرت دشمن، بلکه به خاطر عدم اطاعت بخشی از سپاه مسلمانان از دستورات فرماندهی کل قوا (پیامبر، پیروزی تبدیل به شکست شد و مسلمانان ۷۰ شهید دادند. البته دشمن به هدف اصلی خود که نابود کردن اسلام و دولت پیامبر (ص) بود، نرسید اما وقتی در جنوب مدینه با فاصله ای اردو زده بودند، قصد داشتند که مجدداً به مدینه حمله ور شوند.

ابوعزه شاعر وقتی دید قریش با امکانات بسیار برای گرفتن انتقام پدر به سوی مدینه می خواهد حمله ور شود، تصور کرد پیروزی قریش قطعی است، لذا تعهد خود به پیامبر (ص) را شکست و با لشکر قریش به مصاف اسلام آمد. همان طور که عرض کردم اگرچه مسلمانان در جنگ احد در آغاز پیروز شدند اما به خاطر عدم اطاعت شماری از آنان از فرماندهی کل قوا، این پیروزی تبدیل به شکست شد که مسلمانان حتی ۷۰ شهید دادند اما دشمن به هدف اصلی خود که اشغال مدینه و از بین بردن دولت اسلام و دین مبین اسلام بود، نایل نشد و به سوی جنوب عقب نشینی کرد، منتها در منطقه ای به نام حمره الأسد اوسغیان پشیمان شد و قصد برگشت داشت تا به نظر خود کار ناتمام را تمام کند اما پیامبر (ص) وقتی متوجه قصد شوم آنها شد، فرمان داد به سرعت مسلمانان به مقابله برخیزند، سپاه اسلام به منطقه حمره الأسد آمد اما اوسغیان که انتظار عکس العمل سریع دولت اسلام را

آقای دکتر! اخیراً رهبر معظم انقلاب با عفو و تخفیف مجازات گسترده متهمان و محکومان اغتشاشات اخیر به مناسبت اعیاد رجب موافقت کردند. اکنون که در ماه شعبان، ماه پیامبر رحمت و بخشندگی هستیم بسیار مناسب است نگاهی به سیره پیامبر اکرم (ص) در زمینه عفو دشمنان بیندازیم. اگر امکان دارد گزیده های از سیره رسول اکرم در این زمینه بفرمایید.

پیامبر اکرم (ص) هنگامی که دولت اسلامی را در مدینه تاسیس کرد و حکومت اسلامی شکل گرفت، با دشمنان متعدد و مخالفت هایی مواجه بود. از جمله این دشمنان، دشمن بزرگ اسلام قریش بود که در مکه مستقر بودند و بنای نابودی دولت نبوی اسلامی را داشتند و ۳ جنگ بزرگ پدر، احد و خندق را به اسلام تحمیل کردند. غیر از قریش، یهودیان داخل مدینه و یهودیان پراکنده در شمال حجاز و در مناطق درگ نیز به مرور و به نتاب به دشمنی با اسلام پرداختند، همچنین قبایل مشرک متعددی که در صحرای نجد و در حجاز بعضاً از تشکیل دولت اسلامی به هراس افتاده بودند، برای حکومت اسلامی ایجاد مشکل کرده و توطئه های متعددی می کردند. از اینها گذشته منافقین هم در داخل جامعه اسلامی حضور داشتند که به ظاهر مسلمان شده و با پیغمبر (ص) بیعت کرده بودند اما از فرصت ها برای ضربه زدن به اسلام و آسیب رساندن به این دولت و قدرت پیغمبر بهره می بردند. ما شاهد تقابل هایی در عرصه نظامی و فتنه گری ضد اسلام در دوران ۱۰ ساله تشکیل دولت نبوی هستیم که بین اسلام و دشمنانش پیش آمد. در این سال ها ما شاهد آن هستیم که پیامبر (ص) از موضع قدرت، یعنی در زمانی که دست برتر را نسبت به دشمن دارد، عفو و بخشودگی گسترده اعلام می کند. به عنوان مثال وقتی جنگ بدر اتفاق افتاد، مسلمانان در برابر قریش صف ارایه کردند و در میان نابالوی ۲ طرف، سپاه اسلام پیروز شد و قریشیان ۷۰ نفر کشته دادند و ۷۰ نفر از آنها هم اسیر شدند. در بین اسرا فردی به نام ابوعزه شاعر بود که وقتی دید پیامبر (ص) برای اسرا فدیه تعیین کرده است (فدیه یعنی دادن مالی در ازای آزادی خودشان) و آن اسیرانی که سواد دارند، فدیه آزادی شان باسواد کردن ۲ یا چند نفر از بچه های مسلمانان مدینه اعلام شده است، خدمت

با توجه به سوابق سپاه اوسغیان و اشراف قریش و تابعین آنها، انتظار خودشان این بود که وقتی پیامبر (ص) مکه را فتح می کند، به خاطر جنایاتشان آنها را از بین ببرد اما پیامبر (ص) از موضع قدرت فرمود امروز روز رحمت است. حتی امیرمؤمنان علی (ع) را فرستاد تا فرمان عفو را از سوی پیامبر (ص) اعلام کند

حکومت اسلامی ایجاد مشکل کرده و توطئه های متعددی می کردند. از اینها گذشته منافقین هم در داخل جامعه اسلامی حضور داشتند که به ظاهر مسلمان شده و با پیغمبر (ص) بیعت کرده بودند اما از فرصت ها برای ضربه زدن به اسلام و آسیب رساندن به این دولت و قدرت پیغمبر بهره می بردند. ما شاهد تقابل هایی در عرصه نظامی و فتنه گری ضد اسلام در دوران ۱۰ ساله تشکیل دولت نبوی هستیم که بین اسلام و دشمنانش پیش آمد. در این سال ها ما شاهد آن هستیم که پیامبر (ص) از موضع قدرت، یعنی در زمانی که دست برتر را نسبت به دشمن دارد، عفو و بخشودگی گسترده اعلام می کند. به عنوان مثال وقتی جنگ بدر اتفاق افتاد، مسلمانان در برابر قریش صف ارایه کردند و در میان نابالوی ۲ طرف، سپاه اسلام پیروز شد و قریشیان ۷۰ نفر کشته دادند و ۷۰ نفر از آنها هم اسیر شدند. در بین اسرا فردی به نام ابوعزه شاعر بود که وقتی دید پیامبر (ص) برای اسرا فدیه تعیین کرده است (فدیه یعنی دادن مالی در ازای آزادی خودشان) و آن اسیرانی که سواد دارند، فدیه آزادی شان باسواد کردن ۲ یا چند نفر از بچه های مسلمانان مدینه اعلام شده است، خدمت



بیانات رهبر انقلاب درباره سیره اجتماعی - سیاسی پیامبر اعظم (ص)

پایه گذار اخوت ایمانی

آنجا چیزی نداشت که به او بدهد، والا بیشتر هم به او می داد - و باز یک چیزهای اضافی، یا غذایی یا لباسی یا پولی به او داد؛ بعد به او گفت حالا راضی شدی؟ گفت بله! آن مرد در مقابل احسان پیغمبر و حلم پیغمبر شرمند شد، اظهار رضایت کرد. پیغمبر به او فرمود خب! تو چند لحظه پیش در مقابل اصحاب من یک حرفهایی زدی که آنها دل شان نسبت به تو چرکین شد؛ دوست داری برویم همین حرفهایی را که به من گفتی و اظهار رضایت کردی، در مقابل آنها بگویی؟ گفت بله! حاضر. بعد پیغمبر شب همان روز یا فردای آن روز، این عرب را آورد در میان اصحاب؛ گفت این برادر اعرابی مان خیال می کند از ما راضی است؛ اگر راضی هستم عذرش کرد. پیغمبر ستایش کرد. گفت بله! من خوشحالم، راضی ام، خیلی متشکرم - مثلاً - از رسول اکرم به من محبت کرد و رفت. بعد او رفت، رسول اکرم رو کرد به اصحابش فرمود مثل این اعرابی، مثل آن شتر و ناقه ای است که از یک گله ای - که چوپانی دارد آن را می چراند - ریمید و جدا شده، سر گذاشته به بیابان دارد می دود. شما دوستان من برای اینکه این شتر را بگیرید و او را به من برگردانید، از اطراف حمله می کنید و دنبال او می دهید. این حرکت شما رسیدگی او را بیشتر می کند، وحشت او را زیادتر می کند و دستیابی به او را دشوارتر خواهد کرد. من نگذاشتم شما او را بیشتر از آنچه از جمع ما ریمید، بفرمود، نه، شما به او کاری نداشته باشید، من با او مساله را حل خواهم کرد. از جمع خارج شد و آن اعرابی را هم با خودش برد منزل - معلوم می شود پیغمبر

چقدر [آنها] از مسلمان ها کشته بودند، چقدر مسلمان ها از آنها کشته بودند؛ اگر قرار بود اینها با همان وضعیت، میزان لشکر فاتح رسول خدا می شدند، تا سال های متمادی امکان اینکه بین اینها آشتی برقرار شود وجود نداشت - به مجرد اینکه وارد مکه شدند، در روز فتح مکه که سال هشتم باشد اعلام عمومی کرد که «نَمْتُ الطُّلُقَاء»؛ یعنی من همه شما را آزاد و عفو کردم؛ قریش را عفو کرد و قضا یا تمام شد. شاید در همان سال اول، ماه های اول ورود پیغمبر به مدینه یکی از نخستین کارهایی که پیغمبر انجام داد، ایجاد عقد اخوت بین مسلمان ها بود، یعنی مسلمان ها را با هم برادر کرد. اینکه می گوئیم با هم برادر هستیم، در اسلام یک تعارف نیست، یعنی حقیقتاً مسلمین نسبت به یکدیگر دارای حق برادری هستند؛ نسبت به هم طلبکارند، همچنان که برادران نسبت به هم مدیون یکدیگرند و باید حقوق متقابلی را نسبت به هم عمل کنند. پیغمبر این را عملی کرد، دو به دو مسلمان ها را با هم برادر کرد و طبقات اینها و خانواده های اینها و اشرافی گری اشراف مدینه و قریش را رعایت نکرد، غلام سیاهی را با یک شخص بزرگی و یک آزادشده ای را با یک آقا زاده معروف بنی هاشم یا قریش برادر کرد. علی ای حال، این برادری ابعاد مختلفی داشت که یکی از مهم ترین این ابعاد، همین بود که مسلمان ها نسبت به هم احساس برادری کنند. این هم یکی از آن موارد بود. همکاری و همدردی و دلسوزی و محبت متقابل بین مسلمان ها، یکی از کارهای بزرگ رسول اکرم بود؛ نمی گذاشت در جامعه اسلامی

چقدر [آنها] از مسلمان ها کشته بودند، چقدر مسلمان ها از آنها کشته بودند؛ اگر قرار بود اینها با همان وضعیت، میزان لشکر فاتح رسول خدا می شدند، تا سال های متمادی امکان اینکه بین اینها آشتی برقرار شود وجود نداشت - به مجرد اینکه وارد مکه شدند، در روز فتح مکه که سال هشتم باشد اعلام عمومی کرد که «نَمْتُ الطُّلُقَاء»؛ یعنی من همه شما را آزاد و عفو کردم؛ قریش را عفو کرد و قضا یا تمام شد. شاید در همان سال اول، ماه های اول ورود پیغمبر به مدینه یکی از نخستین کارهایی که پیغمبر انجام داد، ایجاد عقد اخوت بین مسلمان ها بود، یعنی مسلمان ها را با هم برادر کرد. اینکه می گوئیم با هم برادر هستیم، در اسلام یک تعارف نیست، یعنی حقیقتاً مسلمین نسبت به یکدیگر دارای حق برادری هستند؛ نسبت به هم طلبکارند، همچنان که برادران نسبت به هم مدیون یکدیگرند و باید حقوق متقابلی را نسبت به هم عمل کنند. پیغمبر این را عملی کرد، دو به دو مسلمان ها را با هم برادر کرد و طبقات اینها و خانواده های اینها و اشرافی گری اشراف مدینه و قریش را رعایت نکرد، غلام سیاهی را با یک شخص بزرگی و یک آزادشده ای را با یک آقا زاده معروف بنی هاشم یا قریش برادر کرد. علی ای حال، این برادری ابعاد مختلفی داشت که یکی از مهم ترین این ابعاد، همین بود که مسلمان ها نسبت به هم احساس برادری کنند. این هم یکی از آن موارد بود. همکاری و همدردی و دلسوزی و محبت متقابل بین مسلمان ها، یکی از کارهای بزرگ رسول اکرم بود؛ نمی گذاشت در جامعه اسلامی



رسول اکرم به هیچ عنوان نمی خواهد در فضای زندگی جامعه اسلامی، در میان مردم و مسلمان ها، اندکی کینه و حقد و دشمنی باشد، سعی دارد در ایجاد محبت و صمیمیت بین مردم، حتی آن زمانی که دایره اسلام وسیع تر شد و رسول اکرم مکه را هم گرفتند - مردم مکه همان کسانی بودند که پیغمبر را از مکه بیرون کرده بودند؛ پیغمبر سیزده سال از همان اهالی مکه ناراحتی تحمل کرده بود و زجر کشیده بود؛ بعد هم چندین جنگ با پیغمبر کرده بودند؛